



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۷ خرداد ۱۴۰۴

مصادف با: ۱ ذی الحجه ۱۴۴۶

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

موضوع جزئی: جبران کاهش ارزش پول - ادله عدم لزوم جبران مطلقا - دسته‌های پنج‌گانه ادله -

دسته اول: دلیل اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم - بررسی دسته اول - یک اشکال مهم و پاسخ آن

جلسه: ۵۲

سال دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ادله عدم لزوم جبران مطلقا

ادله ضمان کاهش ارزش پول، به تفصیل مورد رسیدگی قرار گرفت؛ نسبت به اغلب این ادله یا طرق اشکالاتی مطرح شد؛ نتیجه این شد که طبق یک دلیل یا راه می‌توانیم قائل به ضمان کاهش ارزش پول شویم. در مقابل این قول، قول به عدم ضمان مطلقاست؛ قائلین به عدم ضمان مطلقا هم بر مدعای خود دلایل مختلفی ذکر کرده‌اند. البته این دلایل همانند دلایلی که بر قول به ضمان اقامه شد، در چند دسته می‌گنجد؛ یعنی همان پنج دسته از ادله که در قول اول ذکر شد، در این قول هم جاری است. لذا ما می‌توانیم ادله یا طرق عدم ضمان کاهش ارزش پول را هم به پنج دسته تقسیم کنیم.

دسته‌های پنج‌گانه ادله

دسته اول: برخی از این ادله ناظر به موضوع یعنی خود پول هستند؛ خود این دسته بر سه نوع است؛ نوعی از آنها با ملاحظه ماهیت پول و نوعی با ملاحظه کارکرد پول و نوع سوم با ملاحظه اوصافی مثل قیمی و مثلی بودن پول ارائه شده است. دسته دوم: دسته دوم ادله عدم ضمان با ملاحظه عنوان اولی و حکم اولی است؛ یعنی با ملاحظه عمومات و اطلاقات، مثل ادله حرمت ربا.

دسته سوم: دسته سوم با ملاحظه عناوین ثانوی است.

دسته چهارم: دسته چهارم به لحاظ برخی مصالح و آثار که عمدتاً جنبه سلبی دارد، یعنی این گروه معتقدند قول به ضمان باعث برخی مفاسد و مضار می‌شود که برای پرهیز از آنها، ما نباید قائل به لزوم جبران کاهش ارزش پول شویم. دسته پنجم: روایات خاصه است؛ به برخی روایات تمسک شده برای عدم ضمان و عدم لزوم جبران کاهش ارزش پول.

نکته

لازم است نکته‌ای را عرض کنم و آن اینکه ما این ادله را عمدتاً در گذشته و در قالب اشکالاتی که به دلایل و طرق اثبات ضمان مطرح کردیم، مورد بررسی قرار دادیم. این دلایل در گذشته در قالب اشکالات به ادله و طرق ضمان ذکر شده و به آنها پاسخ داده شده است. بنابراین به جهت کمبود وقت و عدم ضرورت پرداختن مجدد و تفصیلی به آنها، این ادله را خیلی سریع و فشرده ذکر می‌کنیم و چون قبلاً پاسخ داده‌ایم، در اینجا فقط اشاره خواهیم کرد.

دسته اول

دلیل اول

از دسته اول ادله و طرق که ناظر به ماهیت پول است، یک دلیل این است که پول عبارت از ارزش مبادله‌ای خالص اشیاء است

که ارزش مصرفی آن هم در همین ارزش مبادله‌ای نهفته است. این هم در قالب ارزش اسمی کاملاً خودش را نشان می‌دهد؛ ارزش مبادله‌ای که با عدد و رقم معلوم می‌شود، حقیقت پول است. لذا همان که بر عهده آمده که عبارت از ارزش اسمی پول است، باید هنگام اداء پرداخت شود.

سؤال:

استاد: این در نوشته‌ها مطرح شده؛ الان در خاطر من نیست. همه آنهایی که نفی می‌کنند که پول عبارت از قدرت خرید است که خیلی‌ها هستند ... می‌گویند پول عبارت از همین ارزش اسمی است که با این ارزش اسمی، مبادله انجام می‌شود. همانطور که اشاره شد، این دلیل ناظر به ماهیت پول است.

دلیل دوم

از نوع دوم، چندین دلیل و بیان و طریق می‌توانیم ذکر کنیم؛ نوع دوم آن ادله‌ای است که با ملاحظه کارکرد پول و وظایف ذاتی پول اقامه شده است؛ مثلاً می‌گویند یکی از وظایف و کارکردهای پول این است که ارزش را ذخیره کند؛ اما آنچه که ذخیره می‌شود، اصل ارزش است، نه مقدار ذخیره ارزش. می‌گویند اصل ذخیره ارزش بودن پول به عنوان کارکرد پول محسوب می‌شود؛ اما اینکه چه مقدار ذخیره می‌شود، این ربطی به کارکردهای پول ندارد.

سؤال:

استاد: از این حرف‌های سست زیاد مطرح شده است؛ آیا می‌توانیم بگوییم اصل ذخیره ارزش بودن کارکرد پول است، نه مقدار آن؟ این حرف بسیار سستی است. اینها عمدتاً ناظر به نفی قدرت خرید هستند؛ کسانی که این مطالب را می‌گویند، می‌خواهند بگویند پول عبارت از قدرت خرید نیست و قدرت خرید هم مقوم مثلث پول نیست اینها خودشان دو دسته می‌شوند؛ لذا نتیجه آنها می‌شود عدم ضمان و عدم لزوم جبران کاهش ارزش پول.

دلیل سوم

از دسته اول که ناظر به برخی اوصاف پول یا ویژگی‌های پول که به مثلی بودن یا قیمی بودن پول مربوط می‌شود، دلایل متعددی ذکر شده است. مثلاً بعضی از اینها می‌گویند پول مثلی است اما آنچه که در مثلث پول دخیل است، ارزش اسمی است؛ چون حقیقت پول را ارزش اسمی می‌دانند، مثلث را هم در همین ارزش اسمی خلاصه می‌کنند؛ لذا می‌گویند همان عدد و رقم و مبلغی که سی سال پیش بر ذمه او ثابت بوده، امروز هم همان مبلغ یا عدد بر عهده اوست.

دلیل چهارم

برخی برای رد ضمان، گفته‌اند پول‌های اعتباری هیچ فرقی با پول‌های حقیقی ندارد. البته این می‌تواند در نوع اول هم جای بگیرد؛ یعنی ماهیت پول‌های اعتباری را همانند پول‌های اعتباری قلمداد کرده‌اند و از آنجا که در پول‌های اعتباری قطعاً ضمان ثابت نیست؛ در این پول‌ها هم کاهش ارزش پول ضمان‌آور نیست. از این بیان معلوم می‌شود نسبت به اصل ماهیت پول چنین دیدگاهی دارند.

دلیل پنجم

از همین مقایسه به لحاظ مثلث، عدم ضمان را نتیجه گرفته‌اند و می‌گویند پول‌های اعتباری هم مانند پول‌های حقیقی مثلی است و مثلث هم در ارزش اسمی و پول بودن و عدد و رقم آنها خلاصه می‌شود؛ لذا گذشت زمان و کاهش ارزش پول،

مقتضی جبران این کاهش نیست.

به هر حال من نمی‌خواهم به تفصیل این ادله را ذکر کنم؛ چون همانطور که عرض کردم، ما این مطالب و ادله را قبلاً در قالب اشکال مطرح کرده‌ایم. ما در بحث از ادله ضمان و طرق اثبات ضمان، بعضاً به راه‌هایی اشاره کردیم که قائلین به عدم دلالت برخی ادله بر ضمان ارائه کردند؛ مثلاً یکی از کسانی که قائل به ضمان شده لکن از طریق دیگر (به غیر از آن دلایل و طرقی که اشاره شد)، آقای حائری از شاگردان آقای صدر است؛ ایشان ضمن اینکه معتقد است پول اعتباری به حسب صفات ذاتی مثلی است اما به حسب صفات غیر ذاتی، مثلی نیست. صفات ذاتی را هم اینگونه توصیف کرده و می‌گوید آن اوصافی که در مثلیت دخیل هستند، از ویژگی‌های ذاتی محسوب می‌شوند؛ اما خصوصیات نسبی مثل گرانی و ارزانی، قدرت خرید، اینها از اوصاف نسبی محسوب می‌شوند؛ و اوصاف نسبی در مثلیت دخیل نیست، لذا اگر کاهش پیدا کند، موجب ضمان نخواهد بود.

سؤال:

استاد: می‌گویند جزء اوصاف ذاتی پول نیست؛ ایشان قدرت خرید را از اوصاف نسبی پول می‌دانند که تغییر در آن ضمان‌آور نیست. ... ما قبلاً مفصلاً نظر ایشان و مثال‌ها را ذکر کردیم؛ همانطور که عرض کردم الان بالا اشاره عبور می‌کنم.

ایشان از یک طرف نفی می‌کند که پول اعتباری عبارت از قدرت خرید باشد؛ اما در عین حال از طریق دیگری مثل لاضرر می‌گوید اگر این کاهش موجب ضرر شود، جبران آن لازم است. ... عرض کردم که تفصیلاً نظر اینها را گفته‌ایم و اگر بخواهیم اینها را یک‌به‌یک بیان و بررسی کنیم، تا حد زیادی مستلزم تکرار و ملال‌آور است؛ البته با فاصله‌ای که افتاده، یادآوری آن خالی از فایده نیست اما فرصت ما کم است.

اینها مجموعه دلایلی است که قائلین عدم ضمان در اینجا ذکر کرده‌اند؛ همانطور که ملاحظه فرمودید، بعضی به ماهیت پول برمی‌گردد، برخی به کارکردهای پول و بعضی هم به مثلی یا قیمی بودن پول، که هر سه در واقع به عنوان موضوع مورد توجه قرار گرفته و از این زاویه به دنبال اثبات عدم ضمان بوده‌اند.

دسته دوم را که مربوط می‌شود به قواعد و عموماً، بعداً خواهیم گفت. مجموعه ادله قائلین به عدم ضمان یا طرقی که برای عدم ضمان ثابت شده، اینهاست و در دسته اول خارج از این سه نوع نیست.

بررسی دسته اول

ما تقریباً به همه اینها پاسخ دادیم؛ درباره حقیقت پول عرض کردیم ماهیت و حقیقت پول، قدرت خرید است نه ارزش اسمی. البته این پول مثلی است (کما ذهب به الاکثر) لکن قدرت خرید مقوم مثلیت است، نه اینکه یک امری خارج از مثلیت باشد. باید حفظ قدرت خرید را معادل آنچه که بر ذمه اوست در نظر بگیریم تا این مثل آن شود؛ بدون این، مثل نیست.

اشکال مهم

تنها یک اشکال وجود دارد و آن اینکه اگر مثلیت به قدرت خرید قوام پیدا می‌کند و در ناحیه کاهش می‌پذیریم که با کاهش ارزش پول، اداء مثل به پرداخت همان قدرت خرید است و باید کاهش ارزش پول جبران شود، در ناحیه افزایش هم باید همین حرف را بزنیم. اگر ارزش پول افزایش پیدا کند، مثلاً ارزش صد هزار تومان سال قبل، امسال دو برابر شود؛ یعنی قدرت خرید صد هزار تومان امسال دو برابر شود؛ مثلاً به جای اینکه با صد هزار تومان ۵ کیلو گوشت می‌توانستید بخرید، امسال می‌توانید ۱۰ کیلو گوشت بخرید. اگر قدرت خرید مقوم مثلیت باشد، پس امسال که افزایش پیدا کرده باید ملتزم شویم به

پرداخت پنجاه هزار تومان، نه صد هزار تومان؛ چون پنجاه هزار تومان امسال از نظر قدرت خرید معادل صد هزار تومان سال گذشته است.

پاسخ

ما عرض کردیم درست است قدرت خرید به عنوان مقوم مثلیت پول اعتباری لحاظ می‌شود، اما این به آن معنا نیست که ارزش اسمی هیچ دخالتی نداشته باشد. ارزش اسمی هم جزئی از حقیقت پول است؛ یعنی قدرت خرید به صورت مبهم و مطلق به عهده نمی‌آید؛ قدرت خرید این عدد ملاک است. لذا وقتی که ارزش پول کاهش پیدا می‌کند، می‌گوییم این صد هزار تومان را باید بدهد و نمی‌تواند نصف آن را بدهد.

لکن همان اشکال که اشاره شد، اینجا پیش می‌آید که اگر قدرت خرید این عدد ملاک باشد، یعنی قدرت خرید، پس در صورت افزایش ارزش پول باید قدرت خرید همان صد هزار تومان را بدهد که امسال می‌شود پنجاه هزار تومان. این اشکالی است که از اول بحث این را گفته‌اند و ما هر چه جواب دادیم، زیر بار نرفتند.

سؤال:

استاد: عمده بحث ناظر به همین نکته است؛ ما اصلاً اشکال و نقضی که به طریق اول یا دلیل اول گرفتیم، همین بود؛ کسانی که مطلق قدرت خرید را به عنوان حقیقت پول معرفی کردند و حکم به ضمان قدرت خرید کردند، اشکال ما به آنها این بود که اگر ارزش پول افزایش پیدا کند، چگونه می‌خواهید قائل به عدم ضمان شوید؟ چون آنها هیچ نقشی برای ارزش اسمی قائل نشدند. در مورد دلیل یا طریق دوم گفتیم این طریق تکامل یافته دلیل اول یا طریق اول است؛ کمالی که در دلیل دوم حاصل شد، این بود که قدرت خرید مقوم مثلیت پول است، ولی باز نه مطلق؛ قدرت خرید با این ارزش اسمی. یعنی ارزش اسمی هم سهمی دارد در مثلیت. لذا اگر ارزش پول کاهش پیدا کند، نمی‌توانیم بگوییم تو فقط باید قدرت خرید را بدهی و کاری به ارزش اسمی نداشته باشی. یعنی این صد هزار تومان هم له قسط من الثمن. ... ایشان هم از اول حرفشان این بود که هر طرف را بگیریم، یک جایش لنگ می‌زند ... اگر ما پای ارزش اسمی را به میان آوردیم، اشکالی که به طریق اول و دلیل اول وارد بود، برطرف می‌شود؛ منتها شما می‌گویید یک اشکال جدید تولید می‌شود؛ اشکال جدید این است که شما چرا در ناحیه کاهش ارزش پول سهمی برای ارزش اسمی قائل نیستید؟ پاسخ ما این بود و از ابتدا هم روی همین اصرار داشتیم که این ارزش اسمی (آن صد هزار تومانی که به ذمه آمده)، آن قدرت خرید را ندارد؛ شما اگر بخواهد صد هزار تومان را بدهید، در واقع مثل آن پول را نداده‌اید؛ چون این قدرت خرید، آن قدرت خرید نیست. ... ما می‌گوییم قدرت خرید مقوم مثلیت است و چون مقوم مثلیت است، تا این قدرت خرید جبران نشود، آنچه شما می‌دهید مثل نیست؛ اگر شما بعد از ۵۰ سال همان صد هزار تومان را بدهید، این مثل آن پول نیست. ... قدرت خرید این عدد ... کأن اینجا ما یک اصل و یک فرع داریم، یک محتوا و هسته داریم و یک پوسته و شکل؛ اینها را نمی‌توانیم از هم جدا کنیم؛ هسته و محتوا، قدرت خرید است ... ارزش اسمی حد قدرت خرید است، نه اینکه این نشان‌دهنده آن باشد یا آن نشان‌دهنده این باشد. آن عدد و رقم که روی اسکناس نوشته شده، حد قدرت خرید است ... وقتی که ارزش پول کاهش پیدا می‌کند، مثل آن را که بخواهیم بپردازیم، این قدرت خرید ۵۰ سال قبل در قالب این عدد هر چه بوده، امروز باید همان قدرت خرید در نظر گرفته شود تا بتواند مثل آن شود ... منتها آن عددی که امروز

می‌پردازم، معادل قدرت خرید در آن حد است؛ ... این حد قدرت خرید است، نه اینکه ارزش نداشته باشد. حد قدرت خرید، هم تعیین‌کننده میزان دین است و هم ملاک برای اداء دین. باید به این جهت توجه کنیم؛ لذا در ناحیه کاهش ارزش پول مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ عمده همان حرفی است که ... مثل این است که اگر به آنها تنبه داده می‌شد، حتماً همین حرف را می‌زدند؛ این در کلمات آنها نیست ... استدلال‌هایی که آورده‌اند این نیست. آنها به طور کلی و صریحاً ارزش اسمی را نفی کرده‌اند؛ می‌گویند حقیقت پول عبارت است از قدرت خرید، و ارزش اسمی اصلاً حقیقت پول محسوب نمی‌شود. ... مهم‌ترین مشکل این دلیل و این طریق همین است که هنوز هم حل نشده است؛ ... حالا یا شما باید من را متقاعد کنید یا من شما را متقاعد می‌کنم؛ چند بار هم یادآوری کرده‌ام و اینطور نبوده که توجه نداشته باشم؛ این را حتماً دنبال خواهم کرد. پس مجموعاً دسته اول از ادله که برای عدم ضمان ذکر شده، نمی‌تواند عدم ضمان را ثابت کند. سایر ادله باید به سرعت مطرح شود و ما به تفصیلی که اینجا داده شده هم اشاره‌ای داشته باشیم؛ اینجا پنج یا شش تفصیل داده شده است. ...

«والحمد لله رب العالمین»